

آمار تولید و مصرف فولاد در جهان

بررسی میزان تولید آهن آلات جهانی طی سال های اخیر
پایگاه خبری تحلیل فولاد مرکز آهن

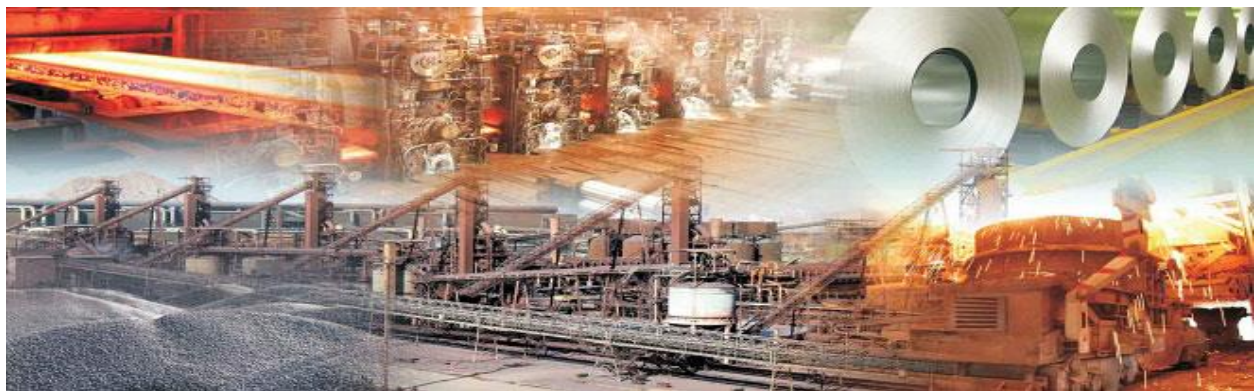
آمار تولید و مصرف فولاد در جهان



بررسی میزان تولید آهن آلات جهانی طی سال های اخیر

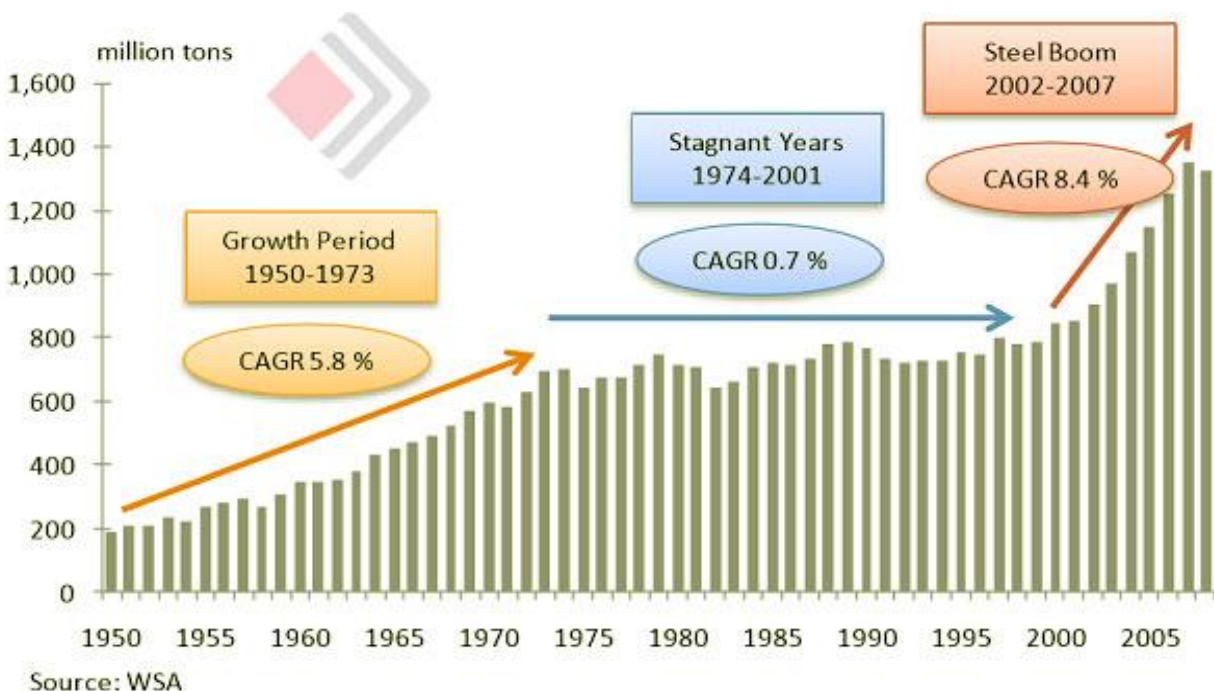
صنعت آهن آلات عامل موثر در رشد و توسعه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه محسوب می شود. به طوری که مصرف آن یکی از معیارهای توسعه یافتگی است. زیرا این محصول گزاره اصلی تمامی صنایع، فعالیت های ساختمانی و زیر بنایی است. در این مقاله به روند تولید، مصرف و تجارت فولاد طی دوره های مختلف خواهیم پرداخت که به نقش بارز و فزاینده کشورهای در حال توسعه در تولید صنعت آهن آلات پی می بریم. و به تبع آن صادرات فرآورده های فولاد آن کشورها علی رغم افزایش مصرف فولاد به دلیل نیاز به این کالای اساسی در صنایع و سرمایه گذاری های زیربنایی، به کشورهای دیگر که دارای عدم مزیت نسبی در تولید فولاد هستند، افزایش یافته لذا سهم تولید فولاد این کشورها زیاد شده است. در مقاله های آتی به بررسی بازار فولاد ایران خواهیم پرداخت.

محورهای عمده و اصلی در بررسی ساختار صنعت آهن آلات عبارتند از: نگاهی به تاریخچه صنعت، جایگاه صنعت فولاد در اقتصاد کشور، بررسی الگوی مصرف فولاد، بررسی نهاده های عمده و اصلی مورد نیاز صنعت فولاد کشور شامل سنگ آهن، زغال سنگ، گاز طبیعی، برق یا آب و ... نیازهای حمل و نقل صنعت، اهمیت مکان یابی برای واحدهای فولاد و بررسی تکنولوژی تولید، باید به این نکته اشاره کرد که حدود ۵ درصد از ارزش افزوده صنعت مربوط به صنعت آهن آلات بوده است.



مصرف عمده آهن آلات در کشورهای پیشرفته مربوط به مصارف صنعتی است در حالی که در کشور ما الگوی مصرف فولاد نشان می دهد که مصرف بخش ساختمان در سال های گذشته قسمت عمده مصرف فولاد را تشکیل داده است. همچنین مقادیر قابل توجهی از منابع سنگ آهن و زغال سنگ و سایر مواد اولیه مورد نیاز صنعت فولاد در کشور وجود دارد. وجود منابع انرژی نیز برای صنعت آهن آلات که یک صنعت انرژی بر است فرصت مناسبی را به وجود می آورد. حمل و نقل نیز از نیازهای اساسی توسعه صنعت فولاد محسوب می گردد.

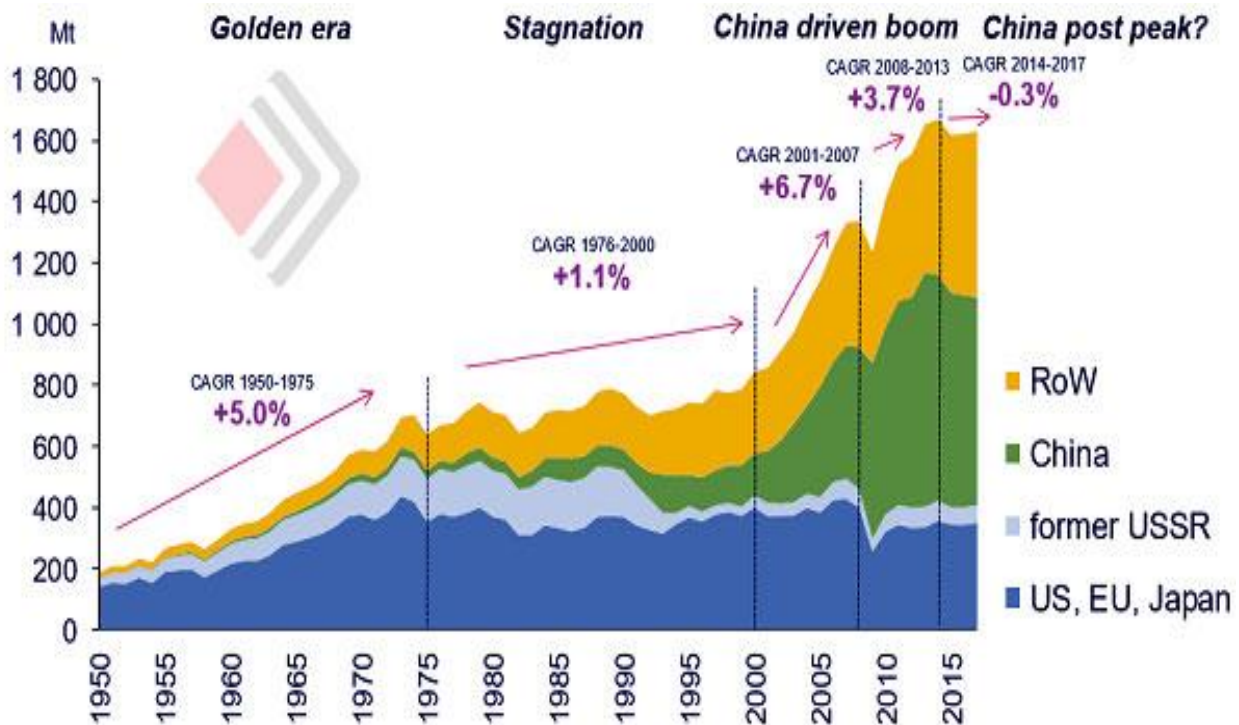
هر دو روش تولید فولاد، کوره بلند و احیا مستقیم در صنعت فولاد کشور به کار گرفته شده است که روش احیا مستقیم چنانچه مقایسه ای صورت گیرد دارای امتیازات بیشتری است. از دیدگاه اقتصاد خرد بررسی عرضه و تقاضای صنعت نقش بسیار تعیین کننده ای دارد. برای مطالعه مدل های تقاضا در صنعت فولاد لازم است که در مدل های سنتی با توجه به الگوی مصرف داخلی تجدید نظر به عمل آید.



مراحل رشد تولید جهانی فولاد خام (از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۱۰)

بررسی سناریویی نشان می دهد که در شرایط خوشایند تقاضای بالقوه آهن آلات نسبت به سطح فعلی مصرف چشمگیر بسیار زیاد می باشد. بررسی روند مصرف سرانه و مقایسه آن با متوسط مصرف سایر کشورهای نیز موید این مطلب می باشد. از دیدگاه عرضه، سازماندهی صنعت نشان می دهد که تولید در انحصار چند تولیدکننده مشخص خواهد بود گرچه در اداره واحدهای فولادسازی کشور دولتی است. تخمین توابع عرضه نشان میدهد که در شرایط فعلی صنعت، بازدهی سعودی ای نسبت به مقیاس وجود دارد.

همچنین بررسی برخی از شاخص های اقتصادی نشان دهنده گرایش به انحصار در صنعت می باشد. تحلیل هزینه - فایده صنعت نشان می دهد که از دیدگاه بخش خصوصی با توجه به معیارهای نرخ بازده ساده، نرخ بازده داخلی و دوره برگشت سرمایه، عملکرد گذشته صنعت مطلوب نبوده است. حجم سرمایه گذاری مورد نیاز در احداث واحدهای فولادسازی و وابسته به آهن آلات نیز نسبت به ابعاد سرمایه گذاری کشور بالاست.

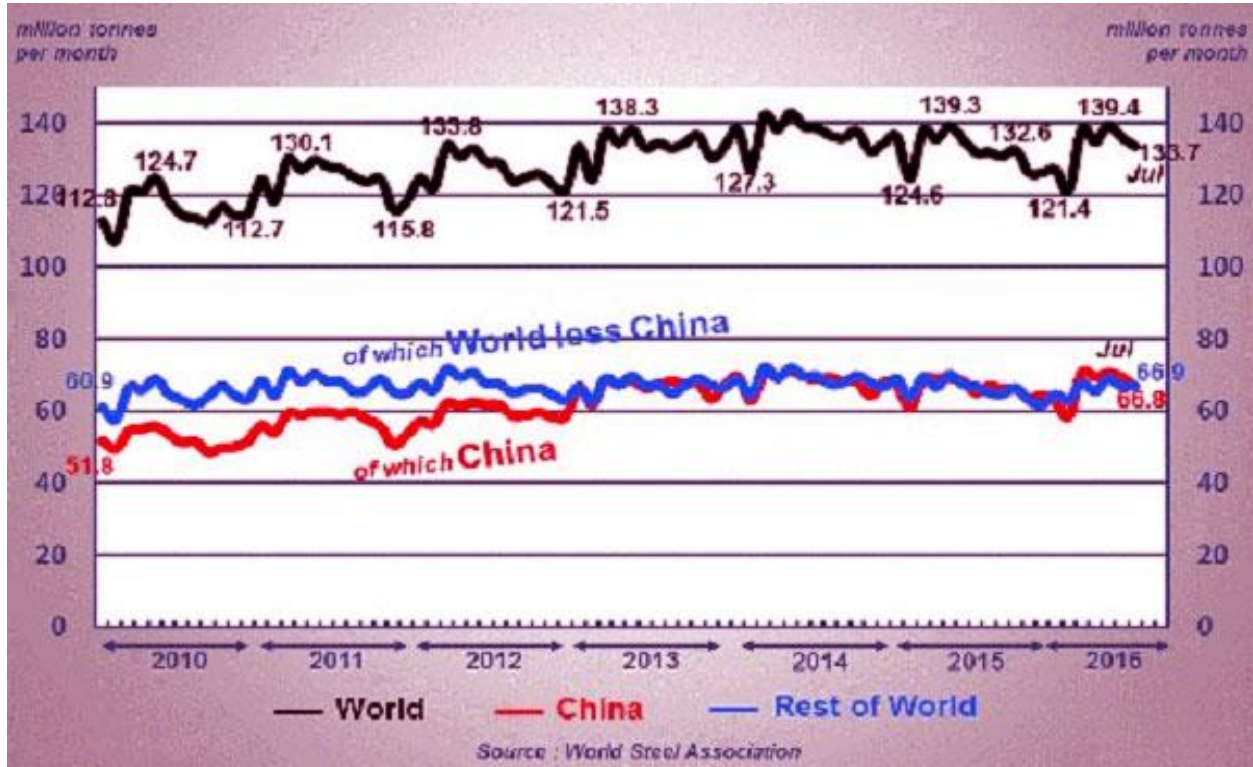


Source: worldsteel, steel demand crude steel equivalent

مراحل رشد تولید جهانی فولاد خام (از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۱۵)

در این شرایط و با توجه به محدودیت های قانونی فعالیت بخش خصوصی در صنعت فولاد کشور در صورتی که اصلاحات قابل ملاحظه ای برای بهبود شاخص های مالی و بهره وری صنعت صورت نپذیرد و همچنین با توجه به حجم بالای سرمایه مورد نیاز، بدون مشارکت طرف خارجی این صنعت با دشواری های فراوانی مواجه خواهد بود. با وجود این تحلیل هزینه - فولاد اجتماعی حکایت از آن دارد که تاثیرات صنعت آهن آلات با توجه به شاخص های کلان اقتصادی و اجتماعی از اهمیت بیشتری نسبت به شاخص های فوق الذکر برخوردار است.

شاخص اشتغال به تنهایی شاخص مناسبی برای ارزیابی واحدهای فولادسازی نمی باشد و از این لحاظ، صنعت برتری چندانی ندارد. اما از دیدگاه صرفه جویی ارزی و ارزش زایی ثانویه صنعت فولاد نسبت به صنایع منتخب از وضعیت مساعدتری برخوردار است. در مجموع فعالیت واحدهای فولادسازی از نظر اجتماعی مثبت تلقی می گردد.



روند ماهانه تولید فولاد خام کشور چین، سایر کشورها و جهان

از دیدگاه توسعه اقتصادی کشور و با توجه به استراتژی های اصلی توسعه اقتصادی شامل استراتژی جایگزینی وارداتی، توسعه صادرات و استفاده از منابع اولیه طبیعی، صنعت فولاد پس از بخش انرژی کشور از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اشاره به اهمیت بخش معادن در سال های اخیر و وجود منابع اولیه طبیعی مورد نیاز فولاد در کشور نیز توسعه این صنعت را اجتناب ناپذیر می سازد.

سخن اینکه اهمیت فراوان محصولات فولادی در اقتصاد کشور، خواص منحصر به فرد فولاد و نداشتن جانشین مناسب به طور کلی و اهمیت فولاد در صنایع نظامی، توسعه زیربنای اقتصادی و نیاز به فولاد از این ناحیه به طور خاص و بسیاری موارد دیگر در کنار ضرورت های اقتصادی می تواند نشانگر اهمیت توسعه واحدهای فولادسازی کشور باشد. برای آشنایی بیشتر با فولاد و انواع روش های تولید به مقاله فولاد چیست در سایت مرکزآهن مراجعه نمایید.



حجم تولید جهانی فولاد خام (از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۵)

تولید و تجارت جهانی فولاد

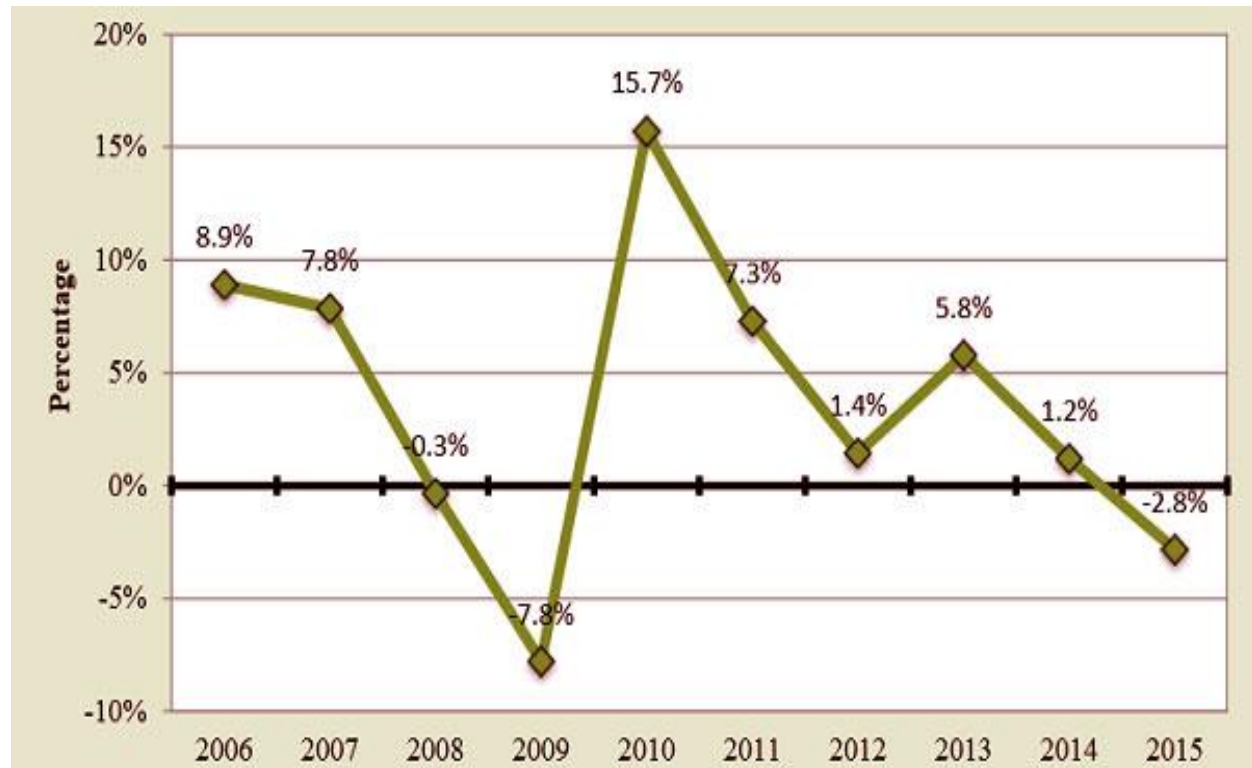
در ادامه به بررسی و شناخت صنعت آهن آلات دنیا و تعیین جایگاه صنعت فولاد ایران می پردازیم.

• نگاهی به تولید فولاد جهان

در حالی که متوسط رشد سالیانه تولید جهانی فولاد طی سال های ۶۰-۱۹۵۰، ۵/۹ درصد، و این روند طی سال های ۷۰-۱۹۶۰ نیز ادامه یافت، رشد مزبور طی سال های ۸۰-۱۹۷۱ از شتاب کمتری برخوردار گردید و به ۲ درصد کاهش یافت. اما رشد مزبور طی دوره ۹۰-۱۹۸۰ از شتاب کمتری برخوردار بوده و به ۰٫۸۲ درصد در سال کاهش یافته است. حال به بررسی علل بحران و رونق در صنعت آهن آلات می پردازیم.

از سال ۱۹۷۹ به بعد به دلیل شروع بحران اقتصادی، تولید جهانی فولاد کاهش یافت که می توان سال ۱۹۸۲ را بحرانی ترین سال صنعت فولاد در جهان دانست که تولید جهانی فولاد در این سال حدود ۶۴۵٫۶ میلیون تن بود که کمترین میزان تولید از سال ۱۹۷۵ به بعد محسوب می گردد. به طوری که ۵٫۶ درصد از مجموع تولید در این سال صورت گرفته است که کمترین درصد در این دوره محسوب می شود.

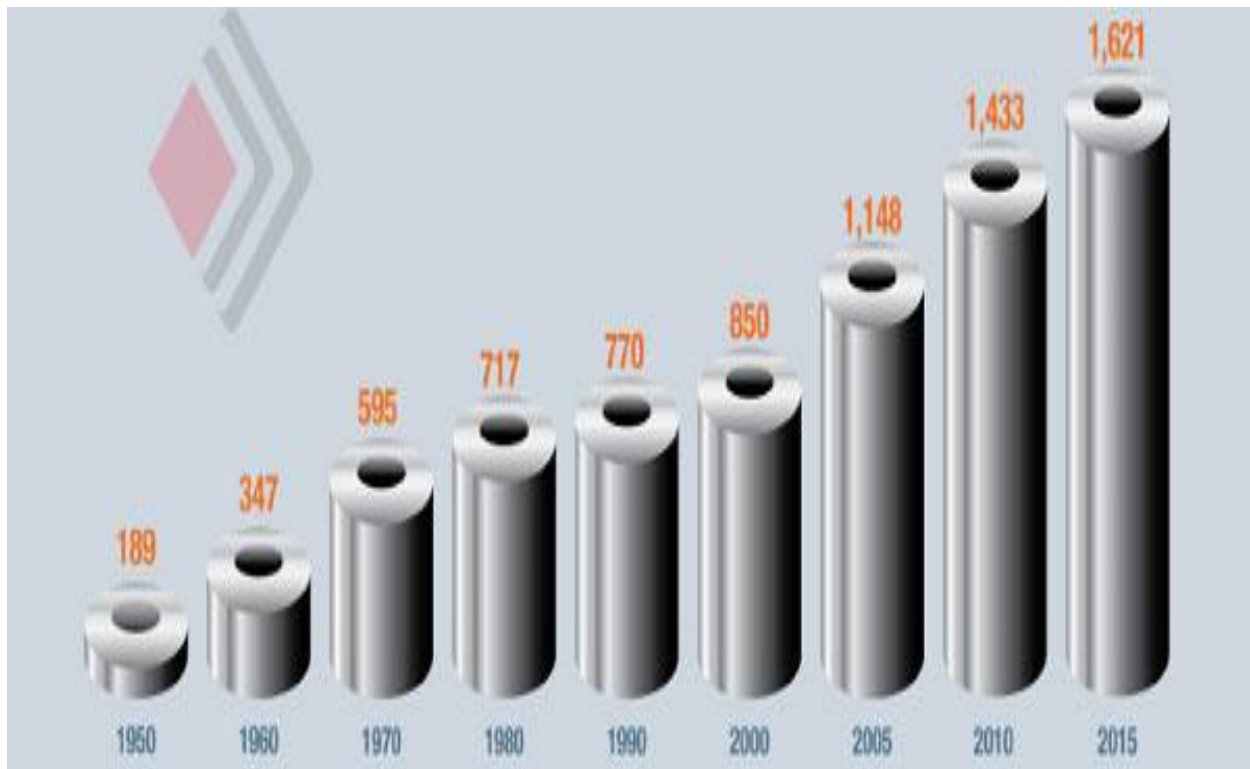
معهدا با وجود همه مشکلات، در این سال بر تعداد کشورهای تولیدکننده آهن آلات افزوده شد آن هم در کشورهای در حال توسعه و توسل به سیاست های حمایتی نیز موازی با توسعه ظرفیت فولادسازی پیش رفت ولی در اروپا، آمریکای شمالی، ژاپن، استرالیا و ... سیاست های حمایتی و کاهش ظرفیت فولادسازی با هم توأم گردید. بیشترین کاهش تولید در این سال به دلیل کاهش و افت تولید در کشورهای پیشرفته سرمایه داری (صنعتی) بوده است.



روند سالانه تغییرات نرخ رشد/کاهش تولید جهانی فولاد خام (از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۵)

گرچه برای صنعت فولاد، سال های بحرانی مانند ۱۹۸۲ خیلی زود تکرار نمی شود. ولی سال ۱۹۸۳ نیز از لحاظ مسائل و مشکلات مربوط تفاوت چندانی با سال ۱۹۸۲ نداشت. بهبود وضعیت صنعت آهن آلات در سال ۱۹۸۳ در مقایسه با وضعیت بحرانی در سال ۱۹۸۲ در قالب یک افزایش ۲۰۸ درصدی در میزان تولید جهانی فولاد از ۶۴۵ میلیون تن به ۶۶۳ میلیون تن قابل توجه است و روند صعودی تولید آهن آلات تا سال ۱۹۸۹ ادامه یافت. در سال ۱۹۸۶ کاهش تقاضا برای انواع لوله فولادی و کاهش میزان صادرات فرآورده های تولیدی از جمله عوامل عمده کاهش میزان تولید به ویژه تولید فولاد در کشورهای پیشرفته صنعتی بوده است. این امر نیز خود نتیجه کاهش سطح قیمت نفت، تشدید رقابت بین المللی، به دلیل کاهش میزان واردات کشورهای تولیدکننده نفت و پاره ای از بازارها سنتی وارد کننده، تعدیل مجدد نسبت به کاهش ارزش برابری دلار و ارزهای وابسته بدان بود.

در سال ۱۹۸۶ مشکل اصلی مازاد قابل توجه ظرفیت فولادسازی جهان همچنان موجب شد که دست اندرکاران تولید فولاد، در مورد سالم سازی صنعت فولاد دست بر مبارزه ای همه جانبه بزنند، لکن شدت رقابت منجر به کاهش سطح قیمت ها در بازارهای عمده آهن آلات جهان گردید و نهایتاً موجب لطمات جبران ناپذیری شد و موجب از بین رفتن دستاوردهای حاصله سال ۱۹۸۵ شد. کمیته فولاد " کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا" متذکر می گردد که گرچه ۱۹۸۶، سال عدم تحرک بود اما این بدین معنی نیست که صنعت فولاد در این سال دچار رکود شده، مقابل تغییرات ساختاری مهمی روی داد و در امر بهبود کیفیت فرآورده های فولاد - خاصه فرآورده های سبک تر و آن دسته از فرآورده هایی که ارزش افزوده بیشتری تولید می کنند - پیشرفت هایی حاصل گردید.



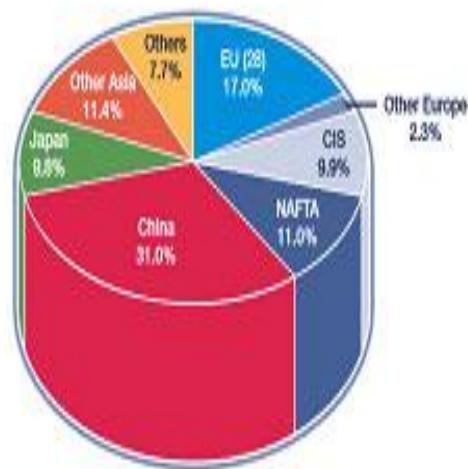
حجم تولید جهانی فولاد (از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۱۵)

میزان تولیدی در این سال ۶۱ درصد از کل تولید می باشد که مطابق سال های ۸۱ و ۸۴ می باشد و ۰٫۵ درصد بیشتر از درصدی تولید فولاد سال ۱۹۸۲ می باشد که بیانگر اهمیت بحران سال ۸۲ نسبت به ۸۱ می باشد. طی سال های ۸۹-۱۹۸۶ تولید جهانی فولاد با بهبودی نسبی توأم نشده در سال ۱۹۸۸ افزایش سریع یافت و در سال ۱۹۸۹ به رقم قابل ملاحظه در تاریخ فولاد دنیا، یعنی ۷۸۶ میلیون تن رسید. به طوری که می توان سال ۸۹ را سال شکوفایی صنعت فولاد در طول دهه ۸۰ دانست و نیز ۶٫۸ درصد از مجموع تولید در سال اتفاق افتاده است

که بیشترین سهم تولیدی در این دوره است. ولی میزان رشد تولید فولاد در این سال های ۸۹-۱۹۸۶ روند رشد یابنده نداشته است.

اغلب صنایع آهن آلات پس از اشغال کویت توسط عراق با یک دوره نزولی روبرو بوده اند. صنایع دفاعی با توجه به نیاز آن ها به دامنه وسیع مواد مختلف به ویژه مواد جدید نیاز بیشتری به فولاد پیدا نکردند و با وجود حمایت موقت از صنایع دفاعی که در نتیجه بحران خلیج فارس صورت گرفته بود تولید چشمگیری به وجود نیامد و تاثیر زیادی بر جریان داد و ستد بازار جهانی و سرمایه گذاری جهانی و در نتیجه تولید فولاد در جهان نگذاشت. لذا از سال ۱۹۹۰ شاهد شروع بحران اقتصادی در دنیا شدیم. که با شروع بحران یک بار دیگر تولید فولاد رو به کاهش گذاشت. دلایل عمده این بحران در صنعت فولاد را می توان بحران خلیج فارس، فروپاشی شوروی سابق، افزایش قیمت نفت و ... دانست.

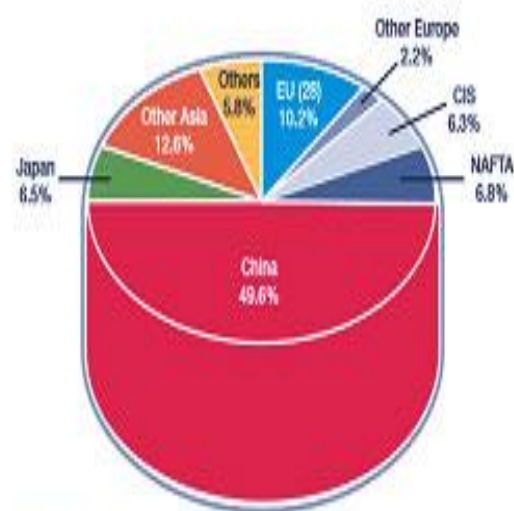
World total: 1,149 million tonnes (2005)



Others comprise:

Africa	1.6%	Central and South America	4.1%
Middle East	1.3%	Australia and New Zealand	0.8%

World total: 1,621 million tonnes (2015)



Others comprise:

Africa	0.8%	Central and South America	2.8%
Middle East	1.8%	Australia and New Zealand	0.4%

سهم مناطق مختلف جهان از تولید فولاد در سال های ۲۰۰۵ (چپ) و سال ۲۰۱۵ (راست)

با سپری شدن دوران بحران سال های نخست دهه ۹۰ با افزایش تولید در کشورهای عمده تولیدکننده آهن آلات و نیز با ظهور کشورهای جدید در زمره تولیدکنندگان افق رشدی در این صنعت پدیدار شده و روند آرام رشد قیمت ها نیز در محصولات فولادی مبین این واقعیت است که با تحولات اخیر در زمینه های رشد و توسعه یافتگی برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی، فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری های تازه در این کشور، زلزله

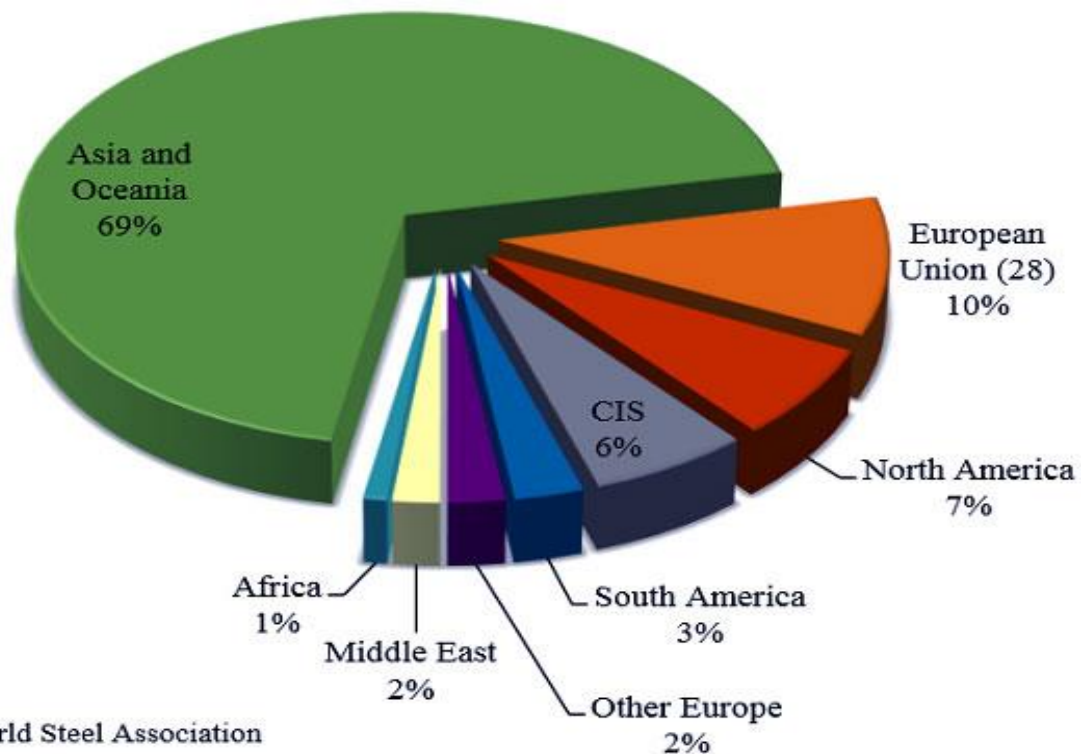
اخیر شهر کوبه در ژاپن و سایر عوامل تاثیرگذار بر فولاد از قبیل بحران جهانی ذخایر سنگ آهن، بحران قراضه فولادی در جهان، سرمایه گذاری اندک و بازده بالا بازار جهانی از این پس با افزایش تقاضا مواجه بوده و این خود منجر به افزایش بیشتر قیمت ها می گردد و بنابراین تولید افزایش می یابد.

تولید فولاد در گروه های سه گانه کشورها

در این قسمت به بررسی وضعیت تولید فولاد در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، سوسیالیستی و در حال توسعه می پردازیم.

این کشورها (پیشرفته سرمایه داری) در سال های اخیر با کاهش تولید روبرو بوده اند. با اینکه تولیدشان به میزان تولید سال ۱۹۸۰ نمی رسد. به طوری که مجموع تولید فولاد خام کشورهای پیشرفته سرمایه داری در سال ۱۹۸۱ از کل تولید فولاد خام این کشورها در سال ۱۹۷۲ کمتر بوده و در مقابل ۴۰۸٫۱ میلیون تن تولید سال ۷۲، در سال ۸۱ تنها ۴۰۰٫۳ میلیون تن فولاد خام تولید کرده اند و سهم تولیدی این کشورها از ۶۵٫۸ درصد به ۵۶٫۶ درصد در سال ۸۱ کاهش یافت.

که بحران اقتصادی را می توان یکی از علل کاهش تولید فولاد در کشورهای پیشرفته سرمایه داری دانست. به این صورت که بحران اقتصادی باعث کاهش و رکود فعالیت های اقتصادی می شود و کاهش فعالیت های اقتصادی نیز، کاهش تقاضا برای فولاد و فرآورده های آن را سبب می گردد و در نهایت موجب کاهش تولید می گردد.



Source: World Steel Association

سهم مناطق مختلف جهان در تولید فولاد (سال ۲۰۱۵)

لازم به ذکر است به طور متوسط ۵۱ درصد تولید فولاد متعلق به کشورهای پیشرفته سرمایه داری و بقیه یعنی ۳۶٫۲ درصد از آن کشورهای سوسیالیستی و ۱۲٫۸ درصد از آن کشورهای در حال توسعه است. لذا بیشترین نوسانات تولید فولاد دنیا به خاطر نوسانات و بحران های خاص کشورهای پیشرفته سرمایه داری است. بالاترین میزان تولید این گروه از کشورها در سال ۸۹ بوده است بنابراین رونق تولید فولاد جهان تابع گسترش تولید این کشورها می باشد. با این حال به میزان تولید سال های ۸۰ و ۸۱ نمی رسد.

زیرا کشورهای صنعتی تصمیم ندارند که ظرفیت فولاد خود را افزایش دهند و شرکت هایی از کشورهای اروپایی وجود دارند که در نظر دارند ظرفیت تولید فولاد خودشان را کاهش دهند و این نمی تواند یک موفقیت در فولاد جهانی باشد. کاهش آشکار در تولید کشورهای صنعتی، آزمایشی است برای شرکت های فولادسازی، به عنوان مثال تولید فولاد خام کارخانه ای در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۴ در حدود ۳۲ میلیون تن بوده است که در سال ۱۹۹۳ به ۱۷ میلیون تن کاهش یافته است.



Source: World Steel Association

نمایی کلی از نسبت تولید فولاد بازیگران اصلی این صنعت

تولید فولاد کارخانه ای در بریتانیا در اواخر دهه ۶۰ در حدود ۲۸ میلیون تن و اخیراً تولید آن به ۱۲ میلیون تن کاهش یافته است. تولید کارخانه تیسن آلمان در اواسط دهه ۱۹۷۰ بیست میلیون تن بود که اخیراً میزان تولید

آن به ۹ میلیون تن کاهش یافته است. این شرکت ها قسمت های مهمی از ظرفیت تولیدی خود را در حال حاضر در مدار تولید ندارند.

بنابراین درصد تولید کشورهای پیشرفته نسبت به درصد کل تولید فولاد جهان در حال کاهش است که از ۵۶٫۸ درصد در سال ۸۰ به ۵۰٫۳ درصد در سال ۹۳ رسیده است. و انتظار می رود این روند نزولی همچنان ادامه یابد و سایر کشورهای سوسیالیستی و در حال توسعه نقش تعیین کننده تری در صنعت فولاد جهان داشته باشند. رشد میزان تولید فولاد خام این کشورها در سال های ۸۸ و ۸۹ به ترتیب برابر با ۸٫۵ و ۱۱ درصد و افت تولید نیز در سال های ۸۲ و ۸۶ به ترتیب معادل با ۱۶ و ۶ درصد بوده است و متوسط میزان رشد تولید فولاد کشورهای پیشرفته صنعتی طی دوره مورد مطالعه ۰٫۶ می باشد که پایین تر از متوسط رشد تولید فولاد جهان می باشد.

تولید فولاد و روند آن در کشورهای سوسیالیستی

رکود و بحران اقتصادی باعث کاهش تولید این کشورها در سال ۱۹۸۲ گردیده است که در نتیجه از ۲۵۲٫۴ میلیون تن در سال ۸۰ به ۲۴۷٫۱ میلیون تن در سال ۸۲ رسیده است ولی با این حال درصد آن نسبت به تولید فولاد جهان افزایش یافته است و این امر به دلیل افزایش تولید این گروه از کشورهاست بلکه به دلیل درصد کاهش بیشتر در تولید فولاد جهان نسبت به درصد کاهش در تولید این گروه از کشورهاست. و حاکی از آن است که بحران اقتصادی بیشترین تاثیر را بر تولید فولاد کشورهای پیشرفته صنعتی نسبت به سایر کشورهای غیر صنعتی گذاشته است.



۲۰ کشور برتر در زمینه تولید فولاد در سال ۲۰۱۵ (ارقام به میلیون تن)

اما بحران سال های اخیر باز هم سبب کاهش تولید این گروه از کشورها گردیده است که باعث شده به کمترین میزان تولید خویش در دوره مذکور در سال ۹۳ که ۲۲۴٫۳ میلیون تن برسد و درصد تولید آن از تولید فولاد جهان از ۳۵٫۲ به ۳۰٫۷ درصد در سال ۹۳ افت نموده است که علت این مساله را باید در بحران های اخیر در این گونه کشورها به ویژه فروپاشی اتحاد شوروی سابق دانست.

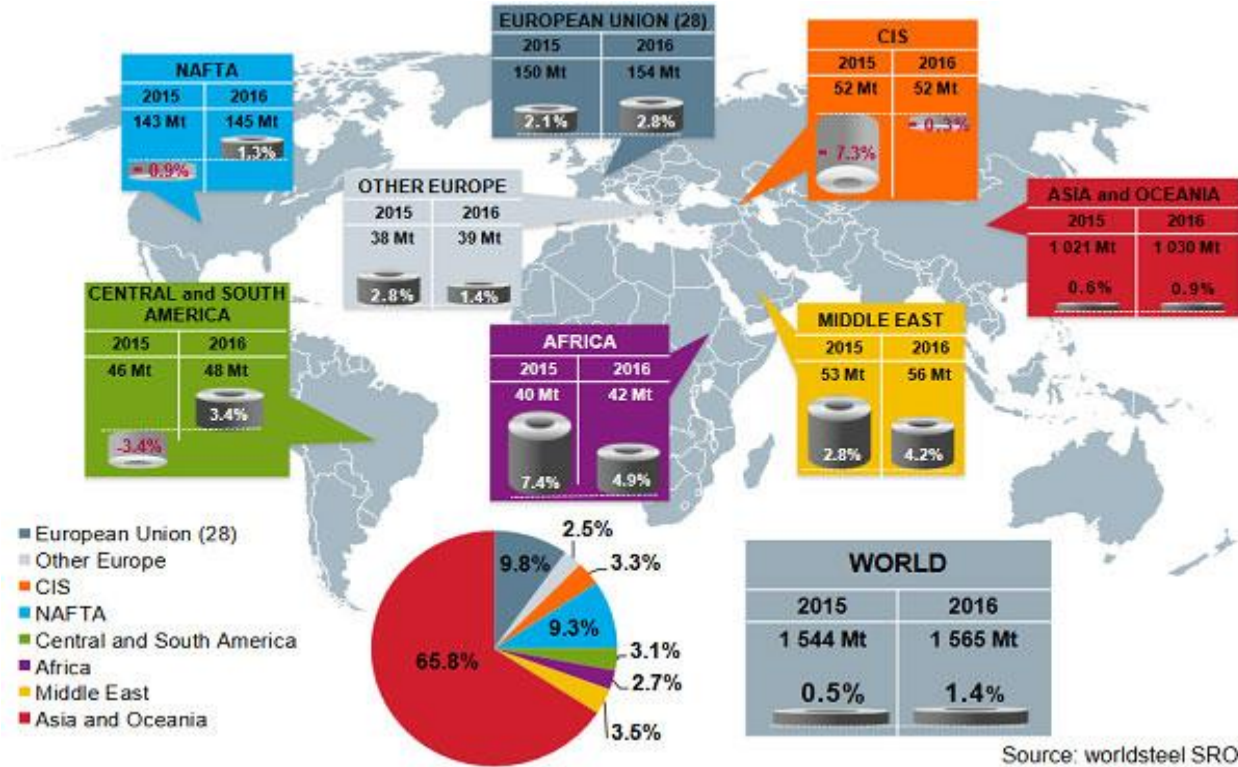
روند درصد تولید کشورهای سوسیالیستی سابق از کل تولید جهان تقریباً نزولی است و از ۳۵٫۲ درصد در سال ۸۰ به ۳۰٫۷ درصد در سال ۹۳ رسیده است که انتظار می رود با ثبات سیاسی در این کشورها، روند صعودی در پیش گیرد. به عنوان نمونه آنچنان که در خبرها آمده چین به عنوان یک کشور سوسیالیستی در سال ۹۴ به بزرگترین تولیدکننده فولاد در جهان مبدل شده است. گرچه تکنولوژی قدیمی و کارایی ضعیف مانع از تبدیل شدن این کشور به یک قدرت فولاد است.

تولید فولاد و روند در کشورهای در حال توسعه

سهام تولیدی کشورهای در حال توسعه همواره جز سال ۹۱ با افزایش روبرو بوده است. از ۸ درصد در سال ۸۰ به ۱۹ درصد در سال ۹۳ رسیده است که بیانگر نقش رشد یابنده کشورهای در حال توسعه در تولید فولاد جهان می باشد و همچنین متوسط نرخ رشد تولید کشورهای در حال توسعه در این دوره ۷٫۲ درصد بوده است که بیشتر از متوسط نرخ رشد تولید جهانی که ۸۲ درصد می باشد بوده است.

اما از بحران سال های ۸۲، ۸۶ و ۹۱ کشورهای در حال توسعه بی نصیب نمانده اند که حال به بررسی تاثیر آن ها می پردازیم.

در سال ۱۹۸۲ وضعیت صنعت فولاد کشورهای در حال توسعه از کشوری به کشور دیگر متفاوت بود. آمریکای لاتین موقعیت خود را به عنوان منطقه ای که حائز سریعترین رشد در صنعت فولادسازی است از دست داد. این ویژگی متوجه منطقه جنوب شرقی آسیا گردید. در سال ۱۹۸۲ به دلیل اعمال سیاست های حمایتی توسط کشورهای پیشرفته سرمایه داری میزان تولید و مصرف فولاد کشورهای آمریکای لاتین با عدم تحرک روبرو شده و صادرات فولاد این کشورها فرصتی برای عرضه نیافت و از سویی دیگر بازارهای داخلی آن ها به دلیل مشکلات مالی ناشی از حجم زیاد بدهی های خارجی رونقی نداشت.



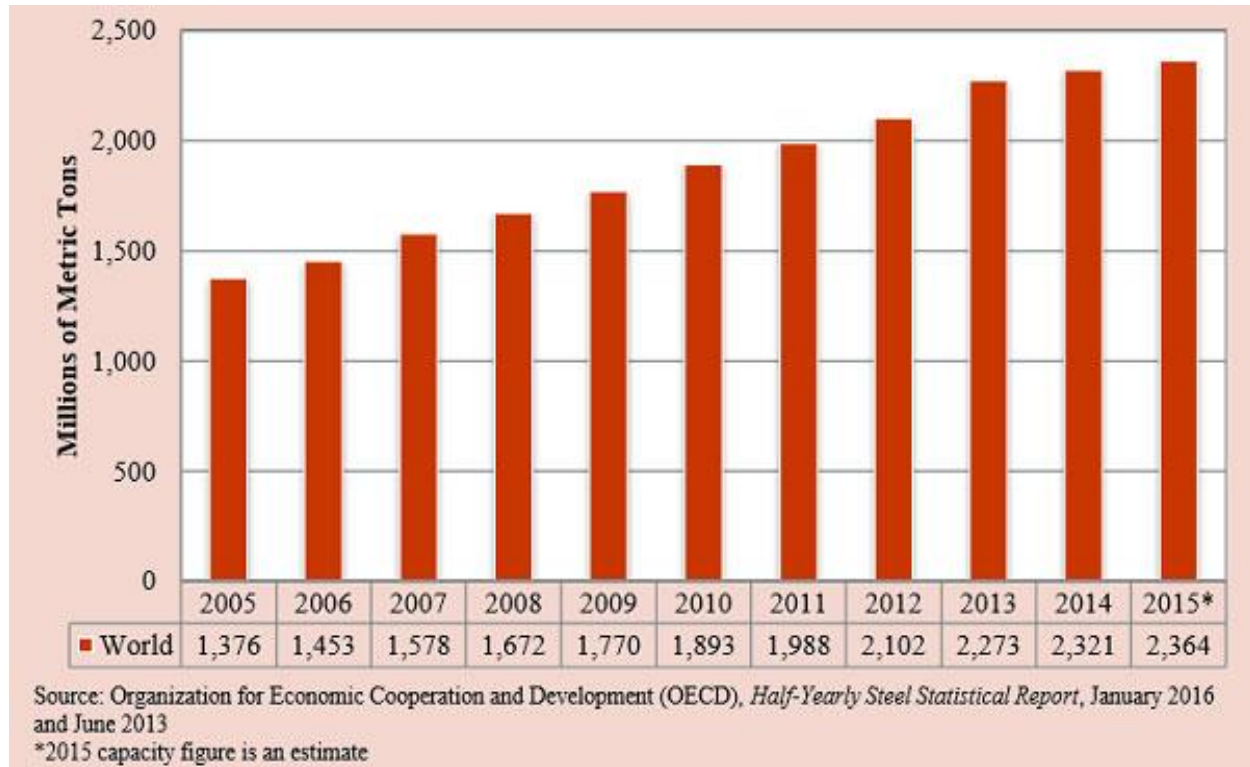
سهم مناطق مختلف جهان در تولید فولاد (برای سال های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶)

مشکلات مالی کشور مکزیک کاملاً آشکار بود و در مورد دیگر کشورهای آمریکای لاتین، نظیر آرژانتین و برزیل نیز بحران مشابهی در رابطه با بدهی های خارجی انتظار می رفت.

در سال ۱۹۸۲ میزان تولید فولاد خام هند بالغ بر ۱۱ میلیون تن گردید که بالاترین مقدار در طی سالیان گذشته بوده است، میزان تولید فولاد کره جنوبی نیز به ۱۱٫۸ میلیون تن رسید که بیشترین مقدار تولید شده تا آن زمان محسوب می شد. تولید فولاد ترکیه و تایوان نیز به ترتیب به ۳٫۲ و ۴٫۲ میلیون تن بالغ گشت که در مورد ترکیه، بالاترین میزان تولید در طی سالیان گذشته بود و ونزوئلا نیز با تولید ۲٫۳ میلیون تن فرآورده های فولاد، رقم رکود گونه ای به ثبت رساند.

در ضمن از سال ۱۹۸۴ به دلیل اینکه ترکیه جزء کشورهای اروپایی محسوب شد، این مساله باعث کاهش تولید کشورهای در حال توسعه شده است. تولید فولاد کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۰ زیاد گردید باعث افزایش ۱۹٫۲ درصد در تولید نسبت به سال قبل آن ها بود، که این بالاترین میزان رشد در طی دوره مذکور می باشد که در این سال سهم آن از تولید فولاد جهان ۱۷٫۱ درصد بود که تا آن سال بی سابقه بود.

بحران سال های ۹۲-۹۴ باعث کاهش نرخ رشد تولیدی این کشورها به اندازه ۵ درصد گردید و سهم آن در تولید فولاد دنیا به ۱۶٫۴ درصد رسید.



ظرفیت تولید سالانه فولاد جهان (از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۵)

سهم تولیدی کشورهای در حال توسعه از کل تولید آهن آلات دنیا سیر صعودی دارد که از ۸ درصد در سال ۸۰ به ۱۹ درصد در سال ۹۳ رسیده است که انتظار می رود این روند در آینده دنبال گردد و نقش کشورهای در حال توسعه در صنعت فولاد با اهمیت تر شود به طوری که متوسط رشد تولید کشورهای در حال توسعه بالاتر از نرخ رشد تولید فولاد کشورهای پیشرفته سرمایه داری و سوسیالیستی می باشد.

ولی این سوال مطرح می شود که رشد تولید آهن آلات کشورهای در حال توسعه که در دهه گذشته این چنین بوده است آیا برای دهه های بعد نیز به همین منوال بوده است ؟

کشورهای صنعتی در نظر ندارند که ظرفیت فولاد خود را افزایش دهند و براساس تغییرات صورت گرفته در تولید فولاد کشورهای پیشرفته، دریافته اند با توجه به منابع فراوان و ارزان قیمت چون نیروی کار فراوان، سنگ آهن، گاز طبیعی و ... هزینه تولید کالای اساسی، صنایعی مانند آهن آلات در این کشورها که اغلب کشورهای در حال توسعه می باشند ارزان تر به دست می آید.

لذا کم کم جای خود را به این کشورها می دهند. شاهد این مدعا این است که حتی حاضر می شوند پیشرفته ترین روش فنی تولیدی که احیا مستقیم می باشند، به این گروه از کشورهای در حال توسعه واگذار نمایند و یا حداقل خودشان به تولید آن نوع از فولادهای آلیاژی که ارزش افزوده بیشتری دارند، پردازند. به طوری که در

نوع صادرات محصولات مجتمع فولاد مبارکه به کشورهای صنعتی مانند انگلستان و آلمان می بینیم و باید در این مورد تجدید نظر کنند که احتیاج به برنامه ریزی و سرمایه گذاری ها در بلند مدت دارند و سعی کنند تا آن جا که امکان پذیر است فروش تولیدات نیمه ساخته به خارج نداشته باشند.